



اسپانیا کم‌سابقه است. در ایتالیا، حدود ۱۰ درصد مبتلایان فوت کرده‌اند. برخی از تحلیل‌ها مبتنی بر این استدلال است که بخشی از بحران کرونا در غرب به دلیل هرم سنی این کشورها و نظام بهداشتی و درمانی آن‌ها است؛ اما در حقیقت، فراگیری و تخریب گسترده بحران کرونا در غرب، در درجه نخست به دلیل تخریب الگوی مدیریت جمع‌گرایانه و در نتیجه افول ارزش‌های اجتماعی و در درجه دوم به دلیل الگوی اقتصاد بازار است که بعضاً منافع و ثبات بازار آزاد را بر سلامت عمومی ترجیح می‌دهد. نمود بارز این وضعیت را در روزهای آغاز بحران در آمریکا شاهد بودیم؛ رئیس‌جمهور این کشور پس از اعلام اولین تلفات کرونا در آمریکا، به جای تأکید بر حفظ جان انسان‌ها، به ثبات در بازار بورس «وال‌استریت» اشاره کرد. اشارات رئیس‌جمهور آمریکا مبتنی بر این مفروض بود که منافع سرمایه‌دارانه بازار آزاد و بورس آمریکا، در قیاس با جان انسان‌ها اولویت بیشتری دارد. ارائه چنین نظرانی از جانب قدرتمندترین رئیس‌جمهور غرب، بیانگر تخریب گسترده ارزش‌های اجتماعی و انسانی است؛ هرچند اندکی پس از بروز بحران و فراگیری آن در آمریکا، این کشور به مرکز بحران جهانی کرونا تبدیل شد و رئیس‌جمهور این کشور پی برد که **بازار بورس وال‌استریت نمی‌تواند جان انسان‌ها را از گزند کرونا نجات دهد و باید تدابیر دیگری اندیشید.** راه‌حل‌های سرمایه‌دارانه دیگر، همچون تزریق پول به بازار نیز ممکن است در کوتاه‌مدت نتیجه‌بخش باشد؛ اما از لحاظ ساختاری، پتانسیل حل این بحران‌ها را ندارد.

در نهایت، حتی کشورهای غربی - که همواره خودمداری و منافع بازار را بر ارزش‌های اجتماعی اولویت داده‌اند - حداقل به صورت موقت، مجبور به اجرای سیاست‌های جمع‌گرایانه همچون قرنطینه اجباری برای حفظ شاکله سیاسی و اجتماعی خود شده‌اند. شاید بتوان **وضعیت استثنایی** مورد نظر «کارل اشمیت»^۱ و «جورجیو آگامبن»^۲ را نزدیک‌ترین مفهوم به رویکرد غرب در مدیریت بحران کرونا دانست که بر اساس آن، وضعیت پیش‌آمده، یک وضعیت موقتی تفسیر می‌شود و با تدابیر استثنایی همچون اعمال محدودیت‌های فراگیر می‌توان آن را کنترل کرد.

۲-۳. تجارب سایر کشورها

کشورهای دیگر نیز سناریوهای متفاوتی را در

پاسخ به چنین شرایطی، دولت ایران تلاش کرده است تا الگوی میانه‌ای را از قرنطینه محدود و غیراجباری، در کنار برخی سیاست‌های نتولیرالی همچون تزریق پول به بازار و کمک‌های محدود مالی به اقشار ضعیف در پیش بگیرد که البته چندان موفق نبوده است؛ در صورتی‌که اگر دولت از همان آغاز بحران کرونا در ایران، با اولویت دادن منافع جمعی و پیاده‌سازی الگوی مدیریت جمع‌گرا عمل می‌کرد، مراحل سه‌گانه مدیریت، کنترل و مهار بیماری کرونا به صورت مطلوب‌تری نتیجه می‌داد. شاید بتوان تنها نقطه قوت ایران در برخورد با بحران اخیر را متغیرهای کمتر سیاسی همچون **هرم سنی جمعیت کشور، تراکم پایین جمعیت** - در قیاس با چین، ایتالیا، اسپانیا و

مواجهه با کرونا در پیش‌گرفته‌اند؛ درحالی‌که دولت‌های رانتیر عربی به خصوص کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس با اتکا بر منابع مالی گسترده به مدیریت اقتصادی این بحران پرداخته‌اند، ترس از گسترش غیرقابل کنترل بیماری در مناطقی همچون آفریقا و جنوب آسیا، مطرح و موجب نگرانی شده است.

در این میان **تجربه ایران** نیز از هر نظریک الگوی خاص است. نظام اقتصادی حاکم بر ایران مبتنی بر بازار آزاد نیست؛ اما از گزند سرمایه‌داری و لیبرالیسم در امان نمانده است. ایران نه تنها همچون کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، منابع مالی نامحدود رانتی ندارد، بلکه با شدیدترین و گسترده‌ترین تحریم‌های اقتصادی در تاریخ مدرن مواجه است. در